یادداشت روز

دولت می‌تواند اگر بخواهد

محمد ایمانی

کرونا، «اَبرآزمون» بود. هم در مقایسه کارکرد داخلی حکومت‌ها و هم در نوع تعامل جهانی؛ هم در سنجش اخلاقی و تمدنی، و هم درباره تاب‌آوری هر یک از «دولت- ملت»های جهان. برای ما هم درس‌های بزرگی داشت و مشخصا ابطال‌کننده برخی گزاره‌های غلط طیف غربگرا بود؛ طیفی که در کارنامه خود، خوش‌بینی و تکیه به غرب، و بی‌اعتمادی به ظرفیت‌های انقلاب و مردم را بر جای گذاشته است. اکنون می‌توان اثر متفاوت دو رویکرد انقلابی و غیرانقلابی را مشاهده کرد. از مبارزه مسئولانه با کرونا تا انفعال و رهاشدگی برخی بازارها در مقابل اخلالگران.

۱- بگذارید تاریخ هفت‌ساله را به سرعت و با بازخوانی برخی اظهارنظرهای قابل تأمل یک دولتمرد مرور کنیم تا ببینیم چرا آنچنان‌که باید در برخی حوزه‌های اقتصادی موفق نبودیم؟

- «اساس سیاست ما، بالا بردن ثروت ملی، رونق تولید و اشتغال و بهبود فضای کسب و کار است... به دنبال این هستیم آن چنان مردم را از درآمد سرشار کنیم که اصلاً به یارانه ۴۵ هزار تومانی نیازی نداشته باشند.» (تبلیغات انتخاباتی ۹۲ و ۹۶)

- «همین که ما آمدیم روی کار، قیمت دلار آمد پایین و اقتصاد آرام شد، کار خاصی نکردیم، فقط اعتماد مردم درست شده بود.» (۵ تیر ۹۷، همایش قوه قضائیه)

- «ما علت موفقیت‌مان کجا بود؟ نه با کار و برنامه‌ریزی ما بلکه قبل از برنامه و کار و تلاش ما دیدگاه مردم نسبت به آینده بود که جامعه را در مسیر جدیدی قرار داد. هنوز ما شروع نکرده بودیم. دو ماه دیگر بنا بود دولت را تشکیل دهیم. قیمت دلار پایین افتاد و بازار آرام شد.» (۲۲ مهر ۹۷، دانشگاه تهران)

- «مگر ما برجام را آوردیم؛ خدا برجام را آورد.» (۲۴ بهمن ۱۳۹۴)

- «می‌گویند سیب و گلابی کجاست که می‌خواهیم میل کنیم؟ امروز این باغ که نهال‌های آن تازه غرس شده، آماده باروری است، اما برای به ثمر نشستن صبر لازم است.» (آبان ۱۳۹۵)

- «بعد از عید (۹۷) زمانی که قیمت دلار نوسان پیدا کرد، همه اقتصاددانان در جلسه اعلام کردند باید دلار تک‌نرخی و با ۴۲۰۰ تومان عرضه شود. البته شخصاً موافقت نداشتم، اما از آنجا که همه در جلسه بر آن اجماع کردند، من هم اعلام کردم می‌پذیرم.»

- «گزارش دیوان محاسبات راجع به ۴/۸ میلیارد دلار ارز دولتی [با وجود تایید بانک مرکزی] صد درصد غلط است.» (۲۷ فروردین ۹۹)

- «من روزانه نظرسنجی می‌کنم! در خیابان وقتی با ماشین می‌روم تمام چهره‌های مردم را نگاه می‌کنم که چند نفر لبخند دارند و چند نفر عصبانی هستند.» (۳ خرداد ۹۸)

- «ارزش پول ملی را نصف کرده‌ایم و هنوز هم شعار می‌دهیم، تورم بالای ۳۰ درصد است، همه ناکارآمدی‌ها را نمی‌توان به پای تحریم نوشت؛ چقدر شرم‌آور است... اعتبار ریال ایرانی را برمی‌گردانیم.» (۲۲ فروردین ۹۲)

- «با حذف چهار صفر و تبدیل ریال به تومان، به جای اینکه بگیم هر یورو ۱۷۰ هزار ریاله، می‌گیم ۱۷ تومنه. هم گفتنش راحت‌تره، هم زیباتره.» (۱۷ اردیبهشت ۹۹)

- «گفتم که نحوه تبلیغات، برنامه‌ریزی و اجرای آن (سهمیه‌بندی و گران کردن بنزین) را خودتان مدیریت کنید. تأکید کردم حتی زمان اجرای آن را به من نگویید و خود من هم، صبح جمعه متوجه اجرای طرح شدم.» (۶ آذر ۹۸)

- «باید همراه شویم و نمی‌توانیم در برابر قدرت‌های بزرگ، با شعارهایی که گاهی توخالی است، بایستیم.» (۱۰ مرداد ۹۵)

- «مذاکره مجدد با آمریکا دیوانگی است» (سال ۹۷) و چند ماه بعد: «مذاکره را به رفراندوم بگذاریم»!

- «تا زمانی که جلوی اَبَرقدرت‌ها خودمان را ببازیم، پُررو می‌شوند.» (۷ اردیبهشت ۹۹)

- «رسیدیم به نقطه‌ای که می‌بینیم در گرفتاری‌ها، نه شرق به داد ما رسید و نه غرب. می‌بینیم که اقتصاد مقاومتی به دردمان خورد.» (۱۴ اردیبهشت ۹۹، ستاد مقابله با کرونا)

۲- ماجرای کرونا نشان داد که همین دولت می‌تواند خلاف رویه خطای خود در گذشته عمل کند و موفق هم باشد. برخی مدیران اوایل اسفند ۹۸ هم امید داشتند آمریکا و اروپا - که هنوز درگیر کرونا نشده بودند- همدردی کنند و تحریم‌های دارویی را بردارند. اما گارد خباثت‌آلود غرب تغییری نکرد. آنها حتی به کمک ایتالیا هم که وسط کرونا دست و پا می‌زد، نشتافتند تا کرونا به آلمان و انگلیس و فرانسه هم رسید. (البته گاردین به نقل از منابع بیمارستانی فرانسه نوشت «یک بیمار بستری که قبل از تاریخ ۲۷ دسامبر - ۷ دی ۹۸- به‌خاطر مشکلات حاد تنفسی به این بیمارستان مراجعه کرده، به COVID-۱۹ مبتلا و آزمایش وی مثبت بوده است). مدیر انستیتو پاستور به تازگی گفت «به جز یکی دو کشور محدود (چین و...) هیچ کشوری به ایران کیت تشخیص کرونا نداد. همیشه فکر می‌کردم کشورهای تحریم‌کننده، در روزهای سخت مثل حالا، تحریم را بر می‌دارند، چون کرونا یک بحران انسانی است. اما این اتفاق نیفتاد». آیا آلمانِ تحت قیمومت آمریکا برای ما کاری می‌کرد، در حالی که در برجام - در کنار انگلیس و فرانسه- خیانت کرد؟ خبر شرم‌آور دویچه‌وله را که حاکی از سرسپردگی دولت آلمان است، بخوانید: «ریچارد گرنل، رئیس موقت اداره اطلاعات ملی آمریکا و سفیر این کشور در آلمان، دولت برلین را برای حمله به برخی مساجد و مراکز منتسب به حزب‌الله لبنان تحت فشار گذاشت. گرنل درصدد است فرانسه را هم برای ممنوعیت فعالیت حزب‌الله تحت فشار بگذارد».

۳- دولت سوئیس چند روز قبل اعلام کرد «هیچ مبادله‌ای با ایران از طریق کانال بشردوستانه اعلامی آمریکا صورت نگرفته است». ادعا می‌شد این کانال به منظور تسهیل در صادرات دارو و تجهیزات پزشکی ایجاد شده است. ایران اما این‌بار معطل نماند. بسیج ملی که در دنیا بی‌نظیر بود، شکل گرفت: فناوران توانمند در کنار تولیدکنندگان و نیروهای داوطلب مردمی پای کار آمدند تا نیاز کشور در زمینه مواد ضدعفونی‌کننده، ماسک، گان و سپس ونتیلاتور (دستگاه تنفس مصنوعی)، کیت تشخیص مبتلایان و سی‌تی‌اسکن را تامین کنند. کشور ظرف دو ماه، تبدیل به یک کارگاه بزرگ شد. این تولید سودآور و ضروری، آن قدر «رونق» و «جهش» پیدا کرد که توانستیم صادرکننده محصولات مورد نیاز کشورها باشیم. آلمان به‌عنوان قطب صنعت و فناوری اروپا، واردکننده کیت تشخیص از ایران شد و اروپایی‌ها در صف درخواست محصولاتی با نشان MADE IN IRAN ایستادند. در همین حال، بر سر برخی از این لوازم کمیاب، میان کشورهای غربی راهزنی راه افتاده بود، یا مردم در خیابان و فروشگاه با هم درگیر شده و حتی اسلحه به روی هم کشیده بودند.

۴- در پویش ملی اخیر، انحصار و مزاحمت و سنگ‌اندازی‌های رایج بروکراتیک در کار نبود. مردم به‌ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوران و تولیدکنندگان، مجال یافتند تا توانمندی‌های خود را به سهولت و فوریت پای کار بیاورند. کسی برای گرفتن مجوز کسب و کار و تولید، معطل نبود و ماه‌ها از این اداره به آن اداره پاس داده نشد. واردات و قاچاقی در کار نبود که کمر تولید داخلی را بشکند. مافیای واردات و قاچاق، این‌بار مجال نیافت امکان تنفس را از تولید ملی بگیرد. مفسدان اقتصادی نتوانستند با زد و بند، منابع ملی را به خسارت تبدیل کنند و تا حدود زیادی، دور از دست اخلالگران خارج شد. عوامل کارآفرینی و تولید، موجود بود و موانع، مفقود. پس موفقیت در تولید و صادرات حاصل شد. همین‌ها، رمز موفقیت یا ناکامی در مدیریت اقتصاد است. اگر تولید جهش پیدا کند، کار و اشتغال رونق می‌گیرد و پول ملی ارزش پیدا می‌کند. تولید، قدرت ملی می‌آفریند و تب تقاضا و تورم را فرو می‌نشاند. البته در این میان، نقش «نظارت هوشمند» (سازوکارهای شفافیت در حوزه معاملات و مالیات) در خشکاندن باتلاق «اخلال، دلالی و سوداگری کاذب» هم بسیار مهم است.

بقیه در صفحه ۱۱

چرا نمایندگان سابق دوست دارند نفتی و دیپلمات شوند؟!

با پایان کار هر دوره مجلس یکی از دغدغه‌های نمایندگان راه نیافته به دور بعد، استخدام یا مسئولیت گرفتن در یکی از دستگاه‌های اجرایی است. در این میان، وزارت نفت و بعد از آن وزارت خارجه قبله آمال برخی نمایندگان است.

«در دوره دوم نمایندگی مجلس برای حل مشکلات اقتصادی چند خانواده، هر ماه مبلغی به آنها کمک می‌کردم. وقتی دوره نمایندگی‌ام به پایان رسید، دیگر پولی نداشتم به آنها کمک کنم. شب‌ها وقتی که بچه‌ها و همسرم می‌خوابیدند، با ماشین به فرودگاه یا میدان آزادی می‌رفتم و مسافرکشی می‌کردم. البته فقط افرادی که با خانواده بودند را سوار ماشین می‌کردم.» این اظهارات مرحوم مرضیه حدیده‌چی مبارز دوران انقلاب و نماینده ادوار مجلس است که بعد از پایان نمایندگی برای گذران زندگی خود به مسافرکشی روی آورد.

شاید این توصیف از زبان نماینده‌ای همچون حدیده‌چی در دهه شصت عادی به‌نظر برسد اما باید قبول کنیم که تصور چنین کاری از یک نماینده سابق مجلس در دوران کنونی بعید است چراکه با پایان یافتن دوره نمایندگی، تعداد قابل توجهی از آنها از بازگشت به شغل قبلی خود امتناع کرده و به دنبال موقعیت‌های شغلی جدید هستند تا همچنان در بخشی از قدرت باقی بمانند.

به گزارش تسنیم، بررسی‌ها نشان می‌دهد نمایندگان عمدتاً رهسپار یکی از وزارتخانه‌های مهم دولت مانند نفت یا امور خارجه می‌شوند یا حداقل برای رسیدن به ساختمان این دو تلاش می‌کنند.

این مسئله یک‌بار بصورت علنی از سوی هدایت‌الله خادمی نماینده مردم ایذه در مخالفت با رای اعتماد بیژن زنگنه مطرح شد و گفت «آقای مهندس! لطفاً من بعد نمایندگان مجلس را استخدام نکنید تا نمایندگان مجلس به رسالت ذاتی و نظارتی خود ادامه دهند و به فکر مردم محروم باشند. رئیس‌جمهور و رئیس‌مجلس و رئیس‌قوه قضائیه لطفا جلوی این مفسده و رانت دو طرفه را بگیرید. اگر امید به استخدام‌ها نبود آن وقت وزیران پیشنهادی بهتر صداقت موافقان و مخالفان واقعی خود و تعداد آرای واقعی خود را مشاهده می‌کردند.»

این اظهارات خادمی با واکنش علی لاریجانی روبه‌رو شد و گفت موردی از این استخدام‌ها سراغ ندارد! خادمی نیز در تذکری خطاب به لاریجانی مدعی شد، بسیاری از نمایندگان ادوار در وزارت نفت استخدام شدند و اینکه فردی اطمینان داشته باشد که پس از اتمام دوره نمایندگی‌اش، به وزارتخانه دیگری می‌رود، به نفع مردم نیست.

این جدال لفظی لاریجانی و خادمی، موجب شد تا وقتی زنگنه پشت تریبون قرار گرفت بر ادعای خادمی صحه بگذارد: «هر دوره‌ای که تمام می‌شود یکی از دغدغه‌های هیئت‌رئیسه این است که وزرا به نمایندگان بیکار کار بدهند؛ چکارش کنیم؟ در جامعه ولش کنیم؟!اگر نماینده نگران شغل آینده باشد هزاران مفسده دیگر درست می‌شود. آنها را در نظر بگیرید. من هم یک تعدادی را به کار گرفتم و چیز مخفیانه‌ای نیست!»

با اظهارات زنگنه مشخص شد یکی از مقاصد نمایندگان برای بعد از دوره نمایندگی، وزارت نفت است. نگاهی به برخی نمایندگان ادواری که راهی وزارت نفت شدند نیز کثرت استقبال از استخدام در وزارت نفت را به‌دلیل حقوق و مزایای بالا و نفوذ آن نشان می‌دهد: محمد سعید انصاری نماینده سابق آبادان (صندوق‌های بازنشستگی نفت با مدرک رشته حقوق)، عبدالله تمیمی نماینده سابق شادگان (صندوق‌های بازنشستگی نفت، فوق لیسانس شهرسازی)، شمس‌الله بهمیی نماینده رامهرمز در مجلس نهم (معاون پشتیبانی و فناوری مرکز توسعه مدیریت وزارت با مدرک دکترای مدیریت توسعه شهری)، سید شریف حسینی نماینده سابق اهواز (مدیرکل حسابرسی و امور مجامع وزارت نفت با مدرک لیسانس حقوق قضایی که هم‌اکنون معاون امور پارلمانی وزیر صنعت است)، سید موید حسینی صدر نماینده سابق خوی (مدیرعامل سابق هلدینگ بین‌المللی آسکوتک)، امیرعباس سلطانی نماینده بروجن در مجلس نهم (مسئولیت در هیئت‌مدیره شرکت نفت فلات قاره ایران با مدرک فوق لیسانس تاریخ تشیع)، علی مروی نماینده ادوار نیشابور (رئیس‌هیئت‌مدیره پتروپارس)، جلیل جعفری نماینده سابق خلخال (عضو هیئت‌مدیره شرکت بهینه سازی مصرف سوخت)، سید عماد حسینی نماینده قروه (عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی وزارت نفت و عضو شورای مرکزی ورزش وزارتخانه)، سید معروف صمدی نماینده ادوار سنندج (مسئولیت در پارس جنوبی با مدرک علوم سیاسی)، سید محمد بیاتیان نماینده دوره نهم بیجار(فاز ۱۴ پارس جنوبی)، مرتضی زرین گل نماینده ادوار کردستان (معاونت توسعه طرح‌های شرکت نفت و گاز پارس)، احمد سجادی نماینده سرخس (استخدام در شرکت نفت مناطق مرکزی)، ابوالقاسم رحمانی نماینده اقلید (رئیس‌شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی ایران)، ایرج عبدی نماینده خرم‌آباد در مجلس نهم (مشاور بهداشت و سلامت مهندس زنگنه وزیر نفت)، محمد سقایی نماینده ادوار استهبان و نی‌ریز (مشاور وزیر و مجری طرح خط لوله انتقال نفت خام کوره - جاسک)، محمد ابراهیم محبی نماینده سنقر (سرپرست هسته گزینش مرکزی وزارت با مدرک پزشکی عمومی)، غلام‌محمد زارعی نماینده مردم بویراحمد و دنا در مجلس نهم و دهم (کارمند وزارت کشور بوده که به وزارت نفت انتقالی گرفته است)، سید سعید حیدری طیب نماینده کرمانشاه در مجلس نهم (هیئت مرکزی گزینش وزارت نفت).

از میان این اسامی ایرج عبدی و سعید حیدری طیب نمایندگان مجلس نهم در جلسه رای اعتماد به زنگنه جزو موافقان وی بودند که پشت تریبون قرار گرفتند.

علاقه‌مندی نمایندگان برای رفتن به وزارت نفت موجب شده تا در زمان شروع‌به‌کار مجلس، صف طویلی مقابل کمیسیون انرژی بسته شود چراکه این کمیسیون مستقیم با وزیر در ارتباط است. در دوره دهم مجلس ۳۸ درخواست برای عضویت در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و ۲۹ درخواست برای کمیسیون انرژی ثبت شده بود در حالی‌که هرکمیسیون تنها ۱۹ عضو دارد. این در حالی است که کمیسیون‌های اصل نود، فرهنگی، قضایی و شوراها هرکدام به ترتیب ۷ درخواست، ۴ درخواست و ۳ درخواستِ عضویت داشتند.

در مجلس نهم نیز کمیسیون امنیت ملی با ۴۱ درخواست و کمیسیون انرژی با ۲۷ درخواست جزو کمیسیون‌های پر طرفدار بودند.

ترکیب نمایندگان عضو کمیسیون انرژی نشان می‌دهد در عضویت برخی از آنها سوابق یا مدرک تحصیلی‌شان ارتباطی با عضویت نداشته است.

از ترکیب نمایندگان عضو کمیسیون انرژی مجلس دهم حسین امیری، عدل هاشمی‌پور، قاسم ساعدی، کوروش کرم‌پور حقیقی، اسدلله قره‌خانی‌الوستانی، علی ادیانی، سکینه الماسی، سلام امینی، حسن بهرام‌نیا، عبدالحمید خدری، احمد صفری، علی‌عسگر زاهدی عبده‌وند، حبیب‌الله کشتزر، علی گل‌مرادی، احمد مرادی، جلال میرزایی، مجید ناصری‌نژاد، بهروز نعمتی نه مدرک تحصیلی مرتبط با این رشته را داشتند و نه سابقه‌ای در امور نفت و انرژی.

وزارت خارجه و تصدی سفارتخانه‌های ایران در کشورها نیز از جمله مقاصد نمایندگان راه‌نیافته به بهارستان است. حسین نوش‌آبادی نماینده ادوار ورامین(سفیر ایران در عمان)، شبیب جویجری نماینده اهواز در دوره هفتم و هشتم مجلس (سفیر ایران در کشورهای سودان و اریتره)، مهدی سنایی نماینده نهاوند (سفیر ایران در روسیه)، حسن قشقاوی نماینده ادوار رباط‌کریم (سفیر ایران در سوئد و اسپانیا)، جواد جهانگیرزاده نماینده ارومیه (سفیر ایران در آذربایجان)، سید احمد موسوی نماینده دوره هفتم (سفیر ایران در سوریه)، محمدباقر بهرامی نماینده مجلس هفتم (سفیر سابق ایران در آذربایجان)، ازجمله شخصیت‌هایی هستند که از وکالت به سفارت رسیدند.

برخی معتقدند این نحوه بکارگیری نمایندگان در وزارتخانه‌ها موجب می‌شود تا بعضی نمایندگان در طول دوره نمایندگی به فکر ارتباط‌گیری با وزرا بیفتند و گاه خود را در سطح روابط عمومی یک وزارتخانه در پارلمان پایین بیاورند و نقش وکیل‌الدوله را بازی کنند. همین موجب شده تا در ادوار مختلف مجلس هیچ‌گاه وزرای نفت و امور خارجه استیضاح نشوند کمااینکه در دوره دهم مجلس به‌رغم جمع‌آوری امضا برای استیضاح زنگنه بعد از مدتی برخی امضای خود را پس گرفتند و این استیضاح از حدنصاب افتاد.

باتوجه به اینکه با پایان کار مجلس دهم بیش از ۲۲۰ نماینده مجلس از راهیابی به پارلمان بازماندند، وظیفه منتخبان مجلس یازدهم است که مانع از مسئولیت‌گرفتن بی‌حساب و کتاب نمایندگان در وزارتخانه‌های حساس شوند و نمایندگان به مشاغل قبلی خود برگردند یا با تصویب قانونی نحوه استخدام نمایندگان بعد از دوره وکالت را نظام‌مند کنند تا شخصی به بهانه استخدام در وزارتی مانند نفت نقش معاون پارلمانی وزیر را در صحن مجلس ایفا نکند.

گفت و شنود

رابعاً !

گفت: بالاخره «دُم خروس گرانی پراید»! بیرون زد!

گفتم: چه‌جوری؟!

گفت: یکی از نوچه‌های غرب نوشته؛ اگر به پراید ۹۰ میلیونی اعتراض دارید، چرا با مذاکره مخالفت می‌کنید؟!

گفتم: یعنی اعتراف می‌کنند که پراید را عمداً گران کرده‌اند تا به مذاکره و تسلیم در برابر آمریکا تن بدهیم؟! ثانیاً پراید ۹۰ میلیون تومانی نتیجه همان مذاکره است. ثالثاً کاش فقط یک‌بار برای ثبت در تاریخ هم که شده، می‌گفتند از مذاکره با آمریکا غیر از فاجعه برجام، کاهش ارزش پول ملی و گرانی و بیکاری و... چه دستاورد دیگری داشته‌اند که هنوز هم همان نسخه را می‌پیچند و رابعاً... برخی از مدعیان اصلاحات عجب رویی دارند؟!

اندیشکده آتلانتیک:

چین به ایران کمک می‌کند اما آمریکا دخالت و تحریم

یک اندیشکده آمریکایی به تازگی در تحلیلی به ابعاد روابط راهبردی بین ایران و چین پرداخت و نوشت، چین برخلاف آمریکا دخالتی در امور ایران ندارد و در زیر فشار تحریم‌ها به این کشور کمک می‌کند.

اندیشکده شورای آتلانتیک در تحلیلی نوشت، روابط دوجانبه ایران و چین بیش از یک دهه است که از اهمیت راهبردی برخوردار شده و به‌نظر می‌رسد ویروس همه‌گیر کرونا حتی آن را تقویت کرده است. در حالی که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا حاضر به لغو تحریم‌ها برای مبارزه با کرونا نشده، چینی‌ها در حال ارسال تجهیزات پزشکی به ایران هستند.

این اندیشکده با اشاره به روابط گذشته تهران و پکن با وجود تحریم‌های واشنگتن نوشت، چین در حالی یک دهه قبل به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران مبدل شد که تحریم‌های آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران همه جهان به‌خصوص اروپا را همراه خود کرده بود. این مسیر با بازگشت تحریم‌های آمریکا پس از خروج یک‌جانبه دولت ترامپ از برجام سرعت بیشتری گرفته است. با وجود راهبرد فشار حداکثری واشنگتن، ارزش داد و ستد ایران با چین در سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار رسید. در نتیجه، سیاست نگاه به شرق موضوعی کم‌اهمیت برای ایران نیست بلکه ضرورتی راهبردی است.

بر اساس این گزارش، هنگامی‌که ایران در سال‌های دور به هواپیماهای جنگنده نیاز داشت، این پکن بود که جنگنده‌های «اف-۷» که نسخه چینی «میگ-۲۱» بود را در اختیار ایران قرار داد. وقتی بانک‌های اروپایی تحت فشار تحریم‌های آمریکا نتوانستند خدمات مورد نیاز به ایران ارائه دهند، بازهم این بانک‌های چینی بودند که وارد میدان شدند.

این اندیشکده آمریکایی نوشت، چین کماکان نفت ایران را خریداری می‌کند و این پول در بانک‌های چین است. چینی‌ها نیز خدمات و محصولاتی را به ایران می‌دهند که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به‌دلیل تحریم‌ها قادر به انجام آن نیستند.

به گزارش فارس، شورای آتلانتیک در خاتمه نوشت بسیاری در تهران همکاری با چین را بهترین گزینه می‌دانند چرا که از نظر آنها پکن مانند کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا در امور داخلی‌شان دخالت نمی‌کند.

این اندیشکده آمریکایی نوشت: چین برخلاف آمریکا دخالتی در امور ایران ندارد و در زیر فشار تحریم‌ها به این کشور کمک می‌کند.

خبر ویژه

اعتراف ناخواسته به رفتار فراجناحی شورای نگهبان

نماینده رد صلاحیت شده مجلس در استدلالی عجیب خطاب به دبیر شورای نگهبان نوشت: چه کرده‌اید که فریاد اصولگرا و اصلاح‌طلب از شورای نگهبان بلند شده است؟

علی مطهری که این روزها سعی می‌کند با سخنرانی‌های تند و نامه‌پراکنی، خودنمایی کند، خطاب به آیت‌الله جنتی نوشته است: گفته‌اید اصلاح قانون انتخابات باید با کار دقیق و کارشناسی به دور از هیجانات انجام شود. اینها را مجلسی‌ها بهتر از شما می‌دانند و عمل می‌کنند، نیازی به رهنمود حضرت‌عالی نیست. اما آن هیجانات را شما و آقای کدخدایی و افرادی که پشت صحنه شورای نگهبان هستند ایجاد کرده‌اند. شما پاسخ دهید که چه کرده‌اید که هم اصول گرا و هم اصلاح‌طلب، هم رد صلاحیت شده و هم رد صلاحیت نشده در جریان بررسی این طرح در مجلس فریادش از ظلم شورای نگهبان بلند بود و نگران حاکم شدن اختناق و خفقان و کاهش سرمایه اجتماعی انقلاب و نظام بودند.

شبه استدلال اخیر علی مطهری بجای آن که به نفع او باشد، به زیان وی است. چه این که برخلاف همه فضاسازی‌ها و هوچیگری‌ها درباره رفتار جناحی شورای نگهبان، از هر دو طیف سیاسی- و عمدتاً عناصر رد صلاحیت شده یا گره خورده با مفسدان اقتصادی و سیاسی- علیه «شورا» هوچی‌گری می‌کنند. اتفاقاً باید به آقای مطهری گفت، ببین چه کرده‌ای که شورای نگهبان با همه اغماض‌ها و آسان‌گیری‌های متعارفش، شما را فاقد صلاحیت تشخیص داد.

معلوم نیست چرا وقتی صلاحیت کسی مانند مطهری را تأیید می‌کند، اعتراضی در میان نیست اما وقتی که امثال نامبرده در اثر عملکرد خویش، صلاحیت خود را از دست دادند، شورای نگهبان مسئله‌دار می‌شود؟ یادآور می‌شود شورای نگهبان صلاحیت حدود ۸۰ نماینده فعلی مجلس را به دلایل مختلف و از جمله مفاسد سیاسی و اقتصادی رد کرد.

بدون سودآوری بنگاه‌های تولیدی هیجان بورس بی‌فایده است

یک روزنامه اقتصادی وابسته به اصلاح‌طلبان تصریح کرد: رشد حبابی و غیرواقعی شاخص‌های بورس، فایده‌ای به حال تولید ندارد.

روزنامه تعادل (وابسته به الیاس حضرتی) با اشاره به هیجانات غیرمنطقی بورس در هفته‌های اخیر نوشت: نقدینگی زمانی که گسترش پیدا می‌کند، تورم‌زاست. وقتی می‌توان نقدینگی را از تبعات تورم‌زا، محفوظ کرد که در اثر این نقدینگی چیزی تولید شود که دارای ارزش افزوده است. کالایی صنعتی تولید شود، محصول کشاورزی ارائه شود، خدمات مورد نیاز ارائه شود و... تولید چه زمانی محقق می‌شود؟ وقتی تولید صورت می‌گیرد که موانع تولید از بین رفته باشد.

بحثی هم که این روزها مطرح است به هیچ عنوان بحث هدایت نقدینگی نیست. نقدینگی وقتی که ایجاد می‌شود و به سمت بازارهایی مثل طلا، مسکن یا ارز می‌رود، این کالاها را با افزایش قیمت مواجه می‌کند اما ورود نقدینگی به بورس به هیچ عنوان باعث نمی‌شود که مثلا قیمت سهام در بورس بالا رود. زمانی که نقدینگی وارد بازار سهام می‌شود اما در سوی مقابل بنگاه‌های ارایه شده به سوددهی نرسیده‌اند و بستر لازم برای رشد آنها فراهم نشده و این نقدینگی بازدهی برای خریداران سهام ندارد؛ این نقدینگی صرفا از جیب یک عده‌ای به جیب یک عده دیگری می‌رود.

طبیعی است از جیب عموم مردم به جیب یک عده معدودی فرصت‌طلب می‌رود. تا زمانی که ما شاهد سودآوری بنگاه‌ها نباشیم شاهد خلق ثروت نباشیم صرف اینکه قیمت سهم‌ها بالا می‌رود، هیچ اهمیت بنیادین اقتصادی ندارد و قادر نیست تاثیر خاصی هم در فرآیندهای اقتصادی کلان کشور داشته باشد. بعد از مدتی مردم و کسانی که عنوان سهامدار را دارند نیازمند این هستند که سودی واقعی به آنها پرداخته شود و زمانی که بنگاهی به سمت سوددهی و ایجاد ارزش افزوده نرفته باشد عملا سود واقعی در اقتصاد ایجاد نمی‌شود و مردم هم بهره‌ای از آن نخواهند برد. اوایل ممکن است تحرکات مثبتی به چشم بخورد اما این قیمت‌گذاری غیرواقعی بعد از مدتی شکل واقعی خود را نشان می‌دهد.

البته ممکن است در کوتاه‌مدت و میان‌مدت سودهایی هم پرداخت شود اما در بلندمدت چون ساختار بنگاه‌ها در مسیر درستی قرار ندارد ارزش واقعی در اقتصاد ایجاد نمی‌کند. ممکن هم هست برخی به صورت فردی سودهای کلانی را از این فضا ببرند اما عموم سهامداران و اقتصاد کشور بعید است که در بطن یک چنین ساختار مشکل‌داری دستاورد شایان توجهی کسب کنند.

راه مشخص است؛ تحلیلگران سالیان سال است که نیازهای توسعه را تشریح و ارایه کرده‌اند اما به نظر می‌رسد نهادهای دولتی و مدیران تصمیم‌ساز گوشی برای شنیدن این راهکارها ندارند.

مخالفت روزنامه دولت با حذف صفرها از پول ملی در وضعیت فعلی

روزنامه رسمی دولت تصریح کرد؛ در وضعیت فعلی بی‌ثباتی قیمت‌ها، حذف صفرها برای اصلاح پول ملی بدترین زمان است.

روزنامه ایران درباره لایحه حذف ۴ صفر از پول ملی که به تصویب مجلس رسید، نوشت: در دولت، سال ۹۳ برای حذف چهار صفر از پول ملی در نظر گرفته شده بود. در آن زمان سه سال بود که به طور مداوم نرخ تورم در حال کاهش بود و از نزدیک ۲۴ درصد به حدود ۱۷ درصد رسیده بود. در سه سال بعدی اما روند معکوس شد و با افزایش شدید نقدینگی، اقتصاد ملتهب تورم ۳۸ درصدی را تجربه کرد. قبل از سال ۹۰ در زمان تدوین طرح هیئت اعزامی صندوق بین‌المللی پول که برای ارائه کمک‌های تخصصی و بهره‌گیری از تجارب دیگر کشورها به ایران سفر کرده بودند، اصرار داشتند که باز تعریف پول ملی تنها در صورتی می‌تواند موفق باشد که اولا بر بستر یک ثبات پولی نسبی اجرا شود و دوم آنکه به عنوان بخشی از یک برنامه اصلاح و رفرم پولی به معنای گسترده‌تر باشد که جان کلام آن در استقلال عملیاتی بانک مرکزی و انضباط مالی دولت خلاصه می‌شود. اما بانک مرکزی برای آنکه اجرای این طرح منوط به اصلاحات ساختاری و بنیادی نشود و زودتر به عرصه اقدام برسد همانا تصریح کرد که «از لحاظ فنی اصلاح پولی، همان حذف صفر از پول ملی است.»سؤالی که هم‌اکنون اذهان را به خود مشغول می‌دارد این است که چرا پس از مدت‌ها دولت به یاد این طرح افتاده است. درست است که تورم از ۴۱ درصد به ۳۴/۲ درصد کاهش داشته اما هنوز این نرخ تورم بسیار بالاست و مهم‌تر آنکه به‌نظر نمی‌رسد در آینده شاهد ثبات نسبی پول باشیم. در شرایطی که انتظار ثبات قیمت‌ها نمی‌رود معرفی یک پول جدید نه فقط به تقویت اعتماد و پذیرش عمومی کمک نمی‌کند که بدترین زمان برای چنین تحولی است.

دلیل دیگر می‌تواند کاراتر نمودن نظام پرداخت باشد و برگرداندن اسکناس و مسکوک به جایگاهی که شایسته آن است. اما آن زایمان دردآلود و گذار پرهزینه از پرداخت سنتی به نظام پرداخت الکترونیکی صورت گرفته است و در این زمینه رقم‌های نجومی حذف شده است. چنانچه این جایگزینی و بازتعریف پول ملی قبل از صرف آن هزینه‌های هنگفت صورت می‌گرفت شاید می‌شد به ترکیب بهینه‌ای از پول سنتی و پول الکترونیک فکر کرد، اما اکنون که این هزینه‌ها صورت گرفته دیگر معرفی چیزی چون «پول دیجیتال بانک مرکزی» به‌عنوان پول تازه شاید ارجحیت بیشتری داشته باشد.

حسابرسی نهادهای غیردولتی دقیق است ۴/۸ میلیارد دلار دولتی چه شد؟

دولت بدون طفره رفتن و حاشیه ساختن، باید درباره انحرافات از بودجه و همچنین حیف و میل ارز ۴۲۰۰ تومانی توضیح دهد.

روزنامه جام‌جم در یادداشتی نوشت: اخیرا برخی رسانه‌های وابسته به دولت به استناد سخنان رئیس جمهور در جلسه هیئت دولت مبنی بر «دولت، قوه قضائیه و قوه مقننه و همچنین نهادهای نظامی انقلابی و فرهنگی از بودجه استفاده می‌کنند و بودجه کشور در یک جا مصرف نمی‌شود، نظارت ما باید عام باشد نه این که همه نظارت را روی یک دستگاه بگذاریم...» مطالبی را منتشر کرده‌اند که طی آن تلاش شده تا گزارش رئیس دیوان محاسبات راجع به تفریغ بودجه سال ۱۳۹۷ به ویژه موضوع نامشخص بودن ورود کالا در ازای مبلغ ۴/۸ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی را زیر سوال ببرند.

این در حالی است که تمامی دستگاه‌هایی که سربسته راجع به آنها صحبت شد و رسانه‌های دولتی به نام برخی از آنها اشاره کرده و به قول آن‌ها نام‌های غایب در گزارش تفریغ بودجه هستند، از قبیل سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، قوه قضائیه، مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیته امداد امام خمینی(ره) دارای ذی‌حساب (ناظر دولت) بوده و تحت نظارت مستقیم دیوان محاسبات قرار دارند. در مطالب مذکور از بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی به عنوان نهادهایی که از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند اما جای بررسی عملکرد آنها در گزارش تفریغ بودجه خالی است، نام برده شده است که این یک مغالطه آشکار است. دو نهاد یاد شده اصولا هیچ اعتباری از بودجه عمومی نمی‌گیرند. شرکت‌های تابعه این دو نهاد نیز در چارچوب قوانین و مقررات کشور از جمله قانون تجارت توسط موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی کشور حسابرسی و مجامع آنها به موقع (زودتر از بسیاری از شرکت‌ها، موسسات و بانک‌های بخش دولتی و خصوصی) برگزار و عملکردشان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

در خصوص عدم پرداخت مالیات توسط نهادها هم لازم است به بیانیه مرکز اطلاع‌رسانی، روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه در مورخ ۲۵ آذرماه سال ۱۳۹۸ اشاره کرد که در این اطلاعیه آمده که «تمام فعالیت‌های اقتصادی در نهادهای انقلاب اسلامی اعم از بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) در قالب شرکت‌ها صورت می‌گیرد و این نهادها مالیات خود اعم از مالیات بر عملکرد، مالیات بر ارزش افزوده و مالیات تکل